



نیاز مندر رئیس جمهور عاقل هستیم

علی مطهری، نایب‌رئیس پیشین مجلس با انتشار بیانیه‌ای از مسعود پزشکیان حمایت کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «اینجانب از سال ۱۳۵۵ که وارد دانشکده فنی دانشگاه تبریز شدم جناب آقای مسعود پزشکیان را که در دانشکده پزشکی این دانشگاه مشغول تحصیل بودند می‌شناسم. در دوره‌های هشتم، نهم و دهم مجلس شورای اسلامی نیز همکار بودیم و در دوره دهم ایشان نایب‌رئیس اول و من نایب‌رئیس دوم بودم.» در ادامه بیانیه نوشته شده: «ایشان را فردی باتقوا و متدین و دلسوز و پاک‌دست و ساده‌زیست و متخصص در رشته خود و آشنا با مسائل کلان کشور و کسی که می‌تواند توازن میان دو جناح سیاسی کشور برقرار کند می‌دانم و با توجه به شرایط موجود کشور و احتمال روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و ضرورت وجود یک رئیس‌جمهور عاقل و باتدبیر در ایران که بتواند در سیاست خارجی توازن میان غرب و شرق ایجاد نماید، از نظر اینجانب آقای مسعود پزشکیان نامزد اصیل انتخابات ریاست‌جمهوری است.»



قدرت من نگران‌شان کرده است

مصطفی پورمحمدی، کاندیدای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در نشست خبری خود گفت: «برخی دوستان از سالیان سال دولت سایه و روشن و شبکه‌های استانی و شهری برقرار کردند و رسانه هم در اختیار دارند. خودم را تا اینجا موفق می‌دانم. بخش زیادی از جامعه هنوز حس انتخاباتی نگرفته و من رسالت اولم را کمک برای مشارکت گذاشتم.» او ادامه داد: «امید مردم کم شده و ما باید امید مردم را برگردانیم. جامعه ما حس انتخاباتی ندارد و تمام تلاشم را می‌کنم تا یخ‌زدگی را بشکافم. من آمده‌ام تا مشارکت را افزایش دهم. مردم فاصله گرفتند و دلسرد شدند و امیدشان کاسته شده و باید نشاط داشته باشند و از خودم نیز راضی هستم.» او درباره تخریب وی از سوی برخی نامزدها گفت: «شاید برخی حس می‌کنند من قدرت جابه‌جایی فضای سیاسی کشور را دارم و این نگران‌شان کرده است.»



احتمال اجماع تا عید غدیر

غلامرضا منتظری، عضو ستاد اجماع نیروهای انقلاب در دیدار با معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی گلستان گفت: «تنها گزینه برای بهبود وضعیت کشور شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلح است. هر چند امروز در مسیر موفقیت قرار داریم و گردنه‌های سخت را پشت سر گذاشته‌ایم اما نباید به وضعیت موجود قانع بوده دست از تلاش برداریم.» او در بخش دیگری با بیان اینکه بستر برای اجماع فراهم است و در حال شور و بررسی همه جوانب با رؤسای ستاد انتخابات در شهرهای مختلف هستیم، گفت: «پس از آنکه بررسی‌ها به نتیجه قابل قبول برسد بار دیگر با نامزدهای انتخابات گفت‌وگو مجدد خواهیم داشت و در نهایت پیش‌بینی ما این است که تا قبل از عید سعید غدیر یک نامزد انتخاب و نتیجه اجماع اعلام شود.»



در گفت‌وگوی احمد زیدآبادی با عباس عبدی مطرح شد:

رای دادن یا ندادن چرا و با چه تحلیلی؟

گروه سیاست: مسعود پزشکیان با حضور در انتخابات توانست حمایت بیشتر احزاب اصلاح طلب را جلب کند. عقبه و سابقه اصلاح خواهانه و سلامت او در هر موقعیتی که قرار گرفت، موجب شد برخی از کسانی که در چند انتخابات گذشته شرکت نکرده بودند و به آسانی چنین تصمیمی را گرفته بودند برآن شوند که به حضور در این دوره از انتخابات بیاورند و حتی به حمایت از پزشکیان بپردازند. البته شرایط سه سال گذشته نیز در بیدار کردن آرای خاکستری بی‌تاثیر نبوده است. یکی از افرادی که در این دوره به حمایت تمام‌قد از پزشکیان می‌پردازد، عباس عبدی، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی است که در دو انتخابات گذشته تمایلی به حضور در انتخابات نداشت و حالا به عنوان حامی پزشکیان فعالیت می‌کند. او در مقابل احمد زیدآبادی دیگر پیشگسوت روزنامه نگاری و فعال سیاسی نشسته و به سوالاتی درباره تغییر موضع اش جهت شرکت انتخابات پاسخ داد. متن این گفت‌وگو در زیر می‌آید.



عباس عبدی:
من از روز اولی که آقای پزشکیان آمد، به خیلی از مراکز قدرت که جدی و تصمیم‌گیر هستند، صریحاً گفته‌ام که پزشکیان همین است و باید با همین کار کنید و رویکردهایش پذیرفته شود و کسی درباره این موضوع ابهام ندارد

آقای خانمی با همه فراز و فرودها و ۴ سال ابتدایی دوره آقای روحانی تا سال ۹۷ مثبت بوده و از آن پشیمان نیستیم. ضمن آنکه بخشی از این شکست‌ها و عدم موفقیت‌ها محصول اشتباهات این طرف هم هست و تماماً محصول اراده آن طرف نیست. در دوره آقای روحانی در جلسات مشاوره‌ای صریحاً می‌گفتم که این نحوه برخورد وی با مخالفان جواب‌نمی‌دهد. حتی در جریان انتخابات ۹۶ هم این‌ها را تذکر می‌دادم. درباره قدرت و مسئولیت هم درست می‌فرمایید. اگر صفر و یک کنیم به نتیجه نمی‌رسیم. اما اگر نسبی نگاه کنیم، باید بگویم که در عین حال که ما تجربه آقای روحانی و خانمی را داریم، تجربه مهم‌تری داریم؛ آن هم رئیسی است. من در سال ۱۴۰۰ با شما موافق بودم که چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟ اگر تصمیم گرفتند که رئیسی بیاید بگذارید بیاید و کاری که می‌خواهند انجام دهند، برداشت و تحلیل‌م این بود که اگر بیایند خودشان شرایط را اصلاح می‌کنند که این تحلیل منطقی و درست بود. اما من سه، چهار بار هم نوشتیم؛ موافقم که جلوی یکدست‌سازی نیاید ایستاد. اگر آمدند و اصلاح کردند ما مسئله‌ای با آنها نداریم و از آنها حمایت می‌کنیم. اما اگر اصلاح نکردند باید پاسخگو باشند. من تأکید می‌کردم آنها نمی‌توانند شرایط را اصلاح کنند. این تجربه سه سال گذشته برای آنها شکست است. اما فعلاً چه برداشتی دارم؟ معتقدم سیستم سیاسی ایران هم به این نتیجه رسیده است که وضع اصلاً خوب نیست و یکدست‌سازی شکست خورده است. بنابراین سیستم سیاسی ایران این بار برخلاف ۷۶ و ۹۲ انتخاباتی را شکل داده است که در اندازه این انتخابات به تبعات آن ملتزم است. شاید بگویید از کجا می‌دانید؟ توضیح من این است که چطور کسی این موضوع ساده را نمی‌داند؟ سیستم سیاسی ایران ۷۶ و ۹۲ دنبال افزایش مشارکت نبود.

سال ۷۲ آقای هاشمی ۵۰ درصد رای آورده بود، سال ۷۶ بر این پندار بودند که اگر ۵۰ درصد هم شرکت کنند آقای ناطق‌نوری برنده انتخابات خواهد بود. سال ۹۲ که اصلاً دنبال مشارکت نبودند و گزینه هیچ‌وقت هاشمی را ردصلاحت نمی‌کردند، چون همه می‌دانستند که ردصلاحت آقای هاشمی به منزله سقوط انتخابات در افکار عمومی است. بنابراین هیچ شانس‌سی هم برای روحانی قائل نبودند. اما در هر دوره مردم با مشارکت خود نتیجه‌ای خلاف ساختار رسمی رقم زدند. اما این بار که اشتباه نمی‌کنند. این بار



احمد زیدآبادی

روشن و آشکار است و خبر هم دارم که سیستم سیاسی ایران به‌طور مشخص رهبری بارها تأکید کردند که فقط مشارکت برایشان مهم است. بنابراین هر تحلیلی این را متوجه می‌شود و نظرسنجی‌ها هم حاکی از آن است که معنای روشن افزایش مشارکت این است که پزشکیان رای می‌آورد. در ۵۰ درصد پزشکیان رای می‌آورد چه برسد به ۶۰ درصد. بنابراین از ابتدا این را پذیرفته است. ضمن آنکه آقای پزشکیان شناخته‌شده و تفاوت‌وی با سایر نامزدها را پذیرفته‌اند. یعنی اگر پزشکیان رئیس‌جمهور شود متفاوت است یا رئیس‌جمهوری جلیلی. این تفاوت بسیار مهم است.

عبدی: وقتی اصولگرایان سرکار هستند به دلیل اینکه از قبل پایگاه اجتماعی خود را رادیکال کرده‌اند، امکان تصمیم‌گیری‌های سخت را از خود سلب می‌کنند. اما معمولاً درست وقتی به نقطه تصمیم‌گیری می‌رسند، اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها از راه می‌رسند و بار را به دوش می‌کشند و نمی‌گذارند که هزینه تصمیم‌گیری به دوش خود آنها بیفتد. مثل برجام سال ۹۲. بعضی فکر می‌کنند قرار بود تصمیم سخت گرفته شود اما این تصمیم به دوش روحانی و ظریف و تیمش افتاد و در ازایش مورد حمله و هجوم اصولگرایان قرار گرفتند. آیا قرار است این اتفاق تکرار شود؟ نکته‌دیگر این است که اگر سیستم به قول شما به این نتیجه رسیده که خود را با عواقب یک مشارکت بالاتر تطبیق دهد و با رئیس‌جمهور برآمده از آن مثل آقای پزشکیان تصمیمات تازه‌ای بگیرد، پرسش این است که چرا آقای پزشکیان می‌دانیتم که او آدم صاف و صادق و پاکدستی است اما در عین حال می‌دانیم که یک فرد تشکیلاتی نیست و حلقه‌های همکاران مشخصی ندارد و حکمرانی را که پدیدهای بسیار پیچیده است از زاویه اخلاق فردی می‌نگرد. می‌دانیم که پدیده‌های قدرت با خواسته و منافع متعارض برای حفظ موقعیت خود هر کاری خواهند کرد و اگر رئیس‌جمهور با ماهیت این بازی‌ها و نوع منافع آشنا نباشد، با نصایح پدیده نمی‌تواند از پس اوضاع برآید. با این حساب باز هم چرا آقای پزشکیان و مثلاً نه آقای لاریجانی؟ چرا آقای جهانداری نه؟ بالاخره کسانی بودند که بازار انتخابات را داغ کنند و در عین حال اشراف بیشتری بر مشکلات و مسائل داشته باشند.

اولی را توضیح دهم چون مهمتر از دومی است. اولی از این نظر مهم است که ما ۱۴۰۰ را تجربه کردیم. مگر نگفتند ما می‌خواهیم برجام را حل کنیم، چرا حل نکردند؟ مگر نگفتند می‌خواهیم ارز را حل کنیم؟ چرا از ۲۲۰۰ تومان به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان بردند و همان‌جا نگه داشتند. هر آدم عادی در حکومت می‌فهمد وضعیت انرژی فاجعه است، چرانی می‌تواند وضعیت انرژی را حل کنند؟

عبدی: چون سخت‌انمی خواهند حل کنند. چون برایشان هزینه دارد.

اجازه دهید، الان توضیح می‌دهم. بنابراین اینکه بگوییم آنها می‌خواهند حل کنند و ما سر بزنگاه آمدیم و مانع شدیم، درست نیست؛ نه اینها نمی‌توانند حل کنند.

عبدی: خبر من نمی‌گویم اینها می‌خواهند حل کنند. آنها اتفاقاً به ضرورت حلش رسیده‌اند اما چه بسا چون فکر می‌کنند تأثیر خیلی منفی روی پایگاه اجتماعی‌شان می‌گذارد، نمی‌خواهند بار را گردن دیگری بیاورند.

اولاً هیچ‌وقت این کار را نمی‌کنند، شهوت قدرت آنان را کور می‌کند و کاری به این چیزها ندارند که روی دوش دیگری بیاورند. واقعیت قضیه این است که مشکلات حل نمی‌شوند. فرض کنیم حرف شما هم درست است اما هر چه هم ادامه دهیم حل نمی‌کنند اما به‌نظر من در این وضعیت کنونی باید وارد فاز دیگری شویم. من یک گفت‌وگویی کردم و گفته‌ام آقای پزشکیان اصلاً نباید در ابتدا دنبال حل اینها باشد. باید دنبال حل مانهی باشد که نمی‌گذارد اینها حل شود و آن فقدان وحدت نیروها، چه در حوزه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی است. من این را می‌فهمم و قبول دارم اما این فقط یک دلیلش است که باید حل کنیم. ببینید آقای زیدآبادی! افرادی امثال زاکانی اجازه نمی‌دهند که در این مملکت مدیر خیرخواهی نفس بکشد و کاری کند. آن رفتار، مملکت را نابود می‌کند. من هیچ‌وقت انتحاری عمل نمی‌کنم. در ۱۴۰۰ ما از اول هم به دوستان گفتیم وقت خودتان را هدر ندهید، یک کار بی‌فایده انجام می‌دهید و نتیجه‌ای هم ندارد. این بار هم که آمدیم برحسب تکلیف نبود. فرض من این است که جامعه پاسخ مثبت می‌دهد و اگر در این فرض شکست بخورم، راه می‌پذیرم. به این معنی است که در برابر تصمیم‌ام پاسخگو باشم، حالا شکلش را بعداً انجام می‌دهم.

عبدی: شما می‌گویید اول باید دنبال اجماع‌سازی بروید و بتواند در واقع همه این نیروهای متفرق را جمع کند.

کاملاً. البته به‌طور نسبی...

عبدی: حالا ببینید، اتفاقاً من فکر می‌کنم اگر قرار است این اتفاق بیفتد، از رئیس‌جمهور برنمی‌آید و باید از نهاد‌های بالاتر شروع شود.

این سوال شما که چرا آقای لاریجانی را کنار گذاشتند؟ آقای لاریجانی خطرش فقط خودش نبود. خطرش منسوبان او در این ماجرا بودند که به‌نظر من اول هم معلوم بود که تأیید نمی‌شود. یکی از کارهایی که در این انتخابات شده، این است که این دولت باید از عرصه‌جانشینی خارج باشد. یعنی اگر دولت بخواهد دغدغه جانشینی رهبری را به هر شکلی داشته باشد، این موجب اخلاص در امر کارهای دولت می‌شود و شاید یکی از علل شکست دولت قبلی، همین دغدغه نسبت به جانشینی بود به خاطر اینکه دولت می‌تواند در این موضوع قدرتمندتر گذاری کند. بنابراین یکی از عوامل تعیین‌کننده در اینکه چه افرادی باشند، همین است. این البته برداشت من است و هیچ خبری برای آن ندارم. اما اینکه چرا آقای پزشکیان را گذاشتند، ببینید من که آنجانیستم که دلایلش را بیاورم. من هم ممکن است مثل شما یک برداشت‌هایی داشته باشم. من به نتیجه نگاه می‌کنم؛ نتیجه‌ای